

سخنرانی سردار عزیز جعفری در رویداد پیوند

به گزارش **بنیاد مردمی تحول اجتماعی شهید اسداللهی**، رویداد آموزشی تشکیلاتی پیوند در مهر ماه 1402 و با حضور مسئولان بنیاد و مسئولان دولت در تهران برگزار گردید. در این نشست سردار عزیز جعفری مسئول قرارگاه فرهنگی اجتماعی قرب بقیة الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ضمن حضور برای حضار در مورد گفتمان انقلاب درباره مسائل اجتماعی به سخنرانی پرداخت و مشروح سخنرانی سردار جعفری بدین شرح است:

رفع آسیب‌های اجتماعی، مهمترین عرصه‌ی جهاد در گام دوم انقلاب

خیلی خوشحالم که امروز خدمت شما جهادگران پیشتاز در عرصه محرومیت زدایی و رفع آسیب‌های اجتماعی که مهمترین عرصه‌ی جهاد در گام دوم انقلاب هست، خدمت شما رسیدیم تا شاهد تلاش‌ها و فعالیت‌های شما باشیم. آنچه که در ابتدای جلسه فضایی که من را برد به فضای اوایل انقلاب و دوران دفاع مقدس و همه‌ی حوادثی که اول انقلاب یا بحران‌های بزرگ اجتماعی که اول انقلاب با آن درگیر بودم و جوان‌های اول انقلاب با همین روحیه با همین حالت در این عرصه‌ها حضور پیدا می‌کردند و آن مسائل و مشکلات را رفع می‌کردند که بزرگترین آنها جنگ هشت ساله بود که همین حالت، همین روحیه در آنجا هم حاکم بود. انسان را به یاد آن دوران می‌اندازد. انشاالله که این اخلاص شما و جهاد شما هر چه سریع‌تر به نتیجه برسد و حاصلش و طعم شیرینش را همه ما بچشیم.

اهمیت مبارزه با آسیب‌های اجتماعی در نگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

این مسئله‌ی رفع آسیب‌های اجتماعی مسئله‌ای است که حضرت آقا از حدود ده سال پیش دغدغه‌ی جدی‌شان بود و چندین جلسه هر شش ماه یک بار بابت آن می‌گذاشتند و همه‌ی مسئولین را جمع می‌کردند و مسئولین گزارش‌هایی در این جلسات می‌دادند. گزارش‌هایی روی کاغذ!! و اخیراً هم حضرت آقا باز گله کردند. آقای رئیسی راجع به عدم پیشرفت کارها توسط دستگاه‌های دولتی آمدند مسئولان، وزرا و دست‌اندرکاران را خطاب قرار دادند که چرا روی این موضوع هیچ کاری نمی‌شود؟ چرا کار جدی صورت نمی‌گیرد. حضرت آقا تا جایی که من اطلاع دارم آن جلسات را تشکیل نمی‌دهند، به عبارتی یک جورایی از دستگاه‌ها و مسئولین ناامید شدند. این را گفتم برای اینکه در واقع روی فلسفه‌ی کارتان صحبت بکنیم و عرض بکنم که رابطه‌اش با انقلاب اسلامی که همه‌ی تلاش ما و جهت کوشش ما باید این باشد که انقلاب اسلامی پرچمش خدایی نکرده پایین نیاید؛ حرکتش کند نشود و هرچه مفیدتر و موثرتر این حرکت‌های انقلابی در عرصه‌های مختلف به پیش بروند.

پنج گام تمدن سازی و وظیفه قرارگاه در گام سوم

یک سوالی که خیلی از بچه‌های فعال در این عرصه دارند و وقتی سوال می‌کنیم پاسخ دقیق و روشن یا یکسان کمتر داده می‌شود ارتباط این نوع فعالیت‌ها که می‌گوییم این قدر از نظر حضرت آقا مهم است با مرحله‌ی سوم انقلاب (دولت‌سازی) چیست؟ چون خود این مرحله‌بندی انقلاب از نظر این حقیر که حدود بیست و پنج تا سی سال است که با دغدغه‌های حضرت آقا در رابطه با پیشبرد اهداف انقلاب مستقیم درگیر بوده؛ از زمانی که نیروی زمینی بودم یا مسوولیتی برعهده داشتم حضرت آقا در آن سالها تمرکزشان روی سپاه و بسیج بود برای پیشبرد اهداف انقلاب یا بخشی از مردم که متصل به سپاه بودند و سازماندهی شدن در قالب بسیج در آن عرصه‌ها که آنجا پیگیری می‌کردند. برای همین من می‌گویم در جریان این دغدغه‌های حضرت آقا به این صورت هستم. این مرحله‌بندی انقلاب که حضرت آقا به پنج مرحله (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی) تقسیم می‌کنند، همیشه باید مد نظر نیروهای انقلاب باشد؛ همه‌ی نیروهایی که دغدغه‌ی انقلاب را دارند و می‌خواهند کمک به رهبری بکنند و جزء امت اسلامی باشند و شما افرادی که با رهبری حضرت امام و حضرت امام خامنه‌ای عزیز در میدان هستید و جهاد می‌کنید، این را باید همه یک برداشت داشته باشیم. مرحله بندی انقلاب که بارها حضرت آقا فرمودند برای ماهاست که بدانیم انقلاب در چه مرحله‌ای چه کاری باید بکنیم که هدف را گم نکنیم و الگوی چارچوب حرکت را به آن اقدام کلانی که در هر مرحله از انقلاب باید انجام بدهیم. مرحله‌ی سوم انقلاب به دیدگاه آقا ما در آن هستیم و یا به عبارتی داخلش گیر کردیم؛ اسلامی شدن دستگاه‌های نظام (دولت اسلامی) است و براساس دیدگاه حضرت آقا تا دستگاه‌های نظام اسلامی نشوند ما به مرحله‌ی چهارم انقلاب که اسلامی شدن جامعه است (جامعه اسلامی) نمی‌رسیم.

این مرحله‌بندی که حضرت آقا کردند و در دهه دوم و سوم تاکید زیادی روی این داشتند ما حدود بیست تا بیست و پنج سالی است که در این مرحله {سوم} ایستادیم و درجا می‌زنیم. مرحله‌ی اول انقلاب که پیروزی انقلاب بوده که ده تا دوازده سال طول کشیده. اگر از خرداد سال 1342 بگیریم تا سال 57 این 15 سال مرحله‌ی اول انقلاب

می‌شود که منجر به پیروزی انقلاب شد. مرحله‌ی دوم انقلاب را 10 تا 15 سال در نظر بگیریم. 10 تا 15 سال اول انقلاب که جنگ بوده و نظام جمهوری اسلامی تشکیل و حفظ شده در برابر تهدیدهای اصلی از جمله جنگ؛ این 10 تا 15 سال دوم انقلاب که می‌شود تا سال‌های 73، 74، از سال 74 به این طرف ما در مرحله‌ی سوم {هستیم} و این یک مساله برای همه‌ی ما هست.

خیلی خب حالا سوال اینکه این کارهایی که شما می‌کنید ارتباطش با این مرحله‌ی سوم چیست؟ این را باید اشراف داشته باشیم. بدانیم چه کار داریم می‌کنیم که همه‌ی وقت، فکر، جوانی و توانان را چه توان مادی، معنوی، جسمی، روحی و فکری و هر چه توان دارید در این عرصه‌ی اشراف می‌کنید خب این ارتباطش باید با این مرحله سوم اسلامی شدن دستگاه‌های نظام چیست؟ ارتباط بین این‌ها چگونه برقرار می‌شود. این را باید بدانیم و اشراف داشته باشیم. بعد در کارها و برنامه‌ریزی‌ها تلاش کنیم که این محقق بشود؛ یعنی این مرحله‌ی سوم انقلاب که اسلامی شدن دستگاه‌های نظام هست (دولت اسلامی) در واقع پیش برود.

ابعاد اسلامی شدن دستگاه‌های نظام اسلامی

وقتی می‌گوییم دستگاه‌های نظام اسلامی بشوند ابعادش مختلف هست، بارزترین و شفاف‌ترین وجهی اسلامی شدن دستگاه‌های نظام خروجی کارکرد دستگاه‌هاست که می‌شود عدالت در جامعه (عدالت اجتماعی). این دستگاه‌ها کارهایی که دارند می‌کنند با توجه به بی‌توجهی‌هایی که از دیدگاه‌های غیراسلامی، غیرانقلابی و لیبرالی حاکم بوده و بی‌توجهی‌هایی که در این عرصه‌ها تا الان شده و این هم روز به روز به جای اینکه در جهت مثبت زیاد {بشود} بدتر شده است؛ شکافهای اجتماعی بیشتر شده، مباحث فرهنگی که باید به سمت اسلامی شدن برود یا سبک زندگی اسلامی که باید روز به روز بیشتر رواج پیدا کند در جامعه‌ی ما این مدام روز به روز بدتر شده، نماد وضعیت فرهنگی که حالا عفاف و حجاب یکی از نمادهای بی‌فرهنگی است را در جامعه می‌بینیم. خب حالا این همه جهادهایی که دارد در همه‌ی عرصه‌ها صورت می‌گیرد، از جمله کاری که شما دارید می‌کنید این ارتباطش با اسلامی شدن دستگاه‌ها را باید درواقع ببینید که چگونه است.

شرط تحقق مرحله سوم انقلاب (دولت اسلامی) به میدان آمدن مردم است.

این یک نکته‌ی اساسی که باز حضرت آقا روی آن خیلی تاکید کردند و کمتر بیان شده این که این پیشبرد اهداف انقلاب یا تحقق پیدا کردن اهداف انقلاب بدون حضور موثر و گسترده‌ی مردم و میلیونی مردم اصلاً امکان ندارد. این حرف حضرت آقا که از 12 سال پیش از صحبت کرمانشاه شروع کردند و بارها و بارها ادامه دادند و این حرف را تبیین کردند. در اهداف انقلاب یا گرده‌های انقلاب یا این بحران‌های اجتماعی، این مسائل و مشکلات بزرگ مثل پیروزی خود انقلاب، جنگ، محرومیت‌زدایی، بی‌سوادی، مسائل امنیتی کف خیابان، همه‌ی این‌ها را نگاه کنید داخلش مردم نقش اصلی داشتند، نقش تعیین کننده و نقش محوری داشتند. در جنگ هشت ساله اگر مردم به جبهه نمی‌آمدند، قطعاً هنوز خرمشهر دست دشمن بود و ما هنوز باید مذاکره و صحبت می‌کردیم با اینها تا بخواهیم خاک کشورمان را آزاد کنیم. همه مسائل و بحران‌ها به این صورت. حضرت آقا معتقدند در تمامی مسائل مردم باید به صحنه بیایند تا حل بشود. پس اینجا مردم باید بیایند در همین اسلامی شدن دستگاه‌های نظام، که مرحله‌ی سوم انقلاب بدون حضور مردم یا به میدان آمدن مردم یا بسترسازی نقش آفرینی مردم محقق نمی‌شود. بدون این شماها چه کاره‌اید این به عنوان حلقه‌های میانی، حالا یک بار تعبیری شده حلقه‌های میانی واسطه بین مردم و حاکمیت ولی این‌طوری درست‌تر است بگوییم که حلقه‌های میانی از نظر حضرت آقا، این فناوری به میدان آوردن مردم به عهده‌ی شماها به عنوان حلقه‌های میانی واگذار کردن نقش اصلی‌تان همین بسترسازی برای به میدان آمدن مردم برای نقش‌آفرینی موثر در حل مسائل و مشکلات.

دو بال اسلامی شدن دستگاه‌های نظام: 1. آوردن مردم به میدان 2. آوردن دستگاه‌ها به میدان حل مسئله مردم

اسلامی شدن دستگاه‌های نظام بدون مردم نمی‌شود. مردم باید بیایند که چه کار بکنند؟ خب بالای هر اداره‌ای مثلاً بنویسیم بسم الله الرحمن الرحیم؟ اینکه الان هست. بسم الله که نوشته شده در همه ادارات. یکی از مشکلات همین است که در این دستگاه‌های دولتی خیلی‌هایشان در دولتهای قبلی درست چینه‌ش نشدن. یک بخش از کار برای اسلامی شدن دستگاه‌های نظام یک بخشش وقتی می‌گوییم خروجی اسلامی شدن دستگاه‌های نظام یعنی عدالت در جامعه، هر زمان کاری بکنیم که مردم را به صحنه بیاوریم. شما دارید این کار را می‌کنید؛ مردم را می‌آورید به صحنه که نقش آفرینی کنند؛ این یک بال. بال دیگری که شما باید انجام بدهید، این است که دستگاه‌های نظام را برای حل همین بحران اجتماعی یا مساله در مناطق آسیب پذیر در حاشیه‌ی شهرها هم پای کار بیاورید. پس این دو

تا بال: یکی مردم را بیاورید و یکی دستگاه‌ها را بیاورید. وقتی این نقش را ایفا کردید که نقش خیلی پیچیده و سختی است. دستگاه‌ها هم خیلی خوششان نمی‌آید که کسی این نقش را بر عهده بگیرد، چون معمولاً می‌خواهند خودشان نقش داشته باشند؛ ما هستیم، آن بودجه و تصمیم همه چیز دست ما است؛ خیلی خوششان نمی‌آید. بنابراین این جهاد و کار سخت شما این وسط این است که درواقع یک سری برنامه‌ها را بریزید برای این که چطوری مردم را به صورت گسترده و میلیونی بیاورید تا برای حل مساله نقش آفرینی کنند. این کار آسانی نیست. خود این خیلی کارسختی {است} ولی نکاتی که توضیح دادیم مثلاً آن کسی که خودش از کمیته امداد کمک می‌گرفته، امروز دارد می‌آید نقش آفرینی کند. ببینید این تحول تحول بزرگی است، ولی خیلی باید ضریب بگیرد؛ باز چندین برابر بشود. گسترش مسئله و دغدغه حضرت آقا چندین برابر شدن و گسترده شدن این حرکت. کار مهم دیگر به موازات این کار، پای کار آوردن دستگاه‌های نظام است. دستگاه‌های نظام را پای کار آوردن، باز کار سختی است؛ خیلی کار سختی است. ابتدا باید مردم را بیاورید که اولاً قدرت داشته باشید؛ یعنی وقتی مردم پشت شما بودند و حمایت مردم را داشتید و با بخشی از مردم یک کار سازمان‌دهی شده‌ی تشکیلاتی و یک خروجی داشتید، آن موقع در دستگاه‌ها دیگر خجالت می‌کشند و در واقع زانو می‌زنند پیش این قدرت مردمی؛ به شرطی که این اتفاقات اول بیفتد؛ یعنی اول مردم را بتوانید درست پای کار بیاورید. نمی‌خواهم بگویم پشت سر خودتان، ولی این هم که بیاید پشت سر خودتان اتفاق می‌افتد؛ برای اینکه بتوانید دستگاه را با قدرت پای کار بیاورید با پشتوانه‌ای که مردم ایجاد می‌کند. هر جای این دو تا بال کامل بشود، یعنی بال مردم برای نقش آفرینی موثر و گسترده و پای کار آوردن دستگاه‌ها برای حل مسئله. این دو تا اقدام الان نمی‌دانم بگویم ما چند درصد کار هستیم. تازه الان به نظر می‌آید که شروعات با زحمتهایی که کشیدید و شناسایی که کردید و مردمی که پای کار آوردید، هست؛ شاید الان در بعضی از مناطق هنوز خوب مردم نیامدند پای کار، گروه‌بندی نشدند، نقش آفرینی نکردند و در واقع دستگاه‌ها پیش این قدرت مردمی حساب ببرند. وقتی می‌روید سراغشان با سر بیایند؛ مخالفت نکنند، مقاومت نکنند، کارشکنی نکنند. بعضی جاها محلاتی که پیشرفت دارید، هر جایی پیشرفت حاصل شده، این دو تا بال این دو تا اعزام به خوبی انجام می‌شود. وقتی این دو تا بستر را آماده کردید ببینید و دقت کنید که این نقش شما است.

حلقه‌های میانی ساز و کار به میدان آوردن مردم

برگردیم به مثلاً 10 سال قبل انقلاب؛ 10 سال قبل همین است. اصلاً کسی نبود این‌گونه نقش ایفا کند و این نقش را رهبری دارند هدایت می‌کنند؛ خود حضرت آقا برای پیشبرد اهداف انقلاب با آن تجربه‌ای که خودشان در کارهای جهادی و مردمی، بسیج کردن مردم با مبانی دینی و شناخت از مردم دارند، از قبل انقلاب تا حالا خودشان این کارها را کردند. مجموع همه‌ی اینها خود حضرت آقا از گام دوم انقلاب از 01/01/1397 صحبت شان را شروع کردند. آن هم علنی با مردم، جوانان مومن متعهد و شما را مورد خطاب قرار دادند که این کار را بکنید و کاری که به عهده‌ی شما گذاشتند چیست. فرمودند که این به میدان آوردن مردم برای این سرعت‌دهی و نظم‌دهی حرکت عمومی که مورد نیاز انقلاب هست، این پیاده‌سازی، اجرا و تحقق احتیاج دارد به هدایت، برنامه‌ریزی، تمرکز، پیگیری لحظه به لحظه و راه کار پیدا کردن؛ این‌ها کارهای اجرایی و مدیریتی، وقتی می‌خواهی کاری اجرایی {بشود} کاری پیاده بشود، احتیاج به این کارها دارد؛ هدایت، تمرکز، برنامه‌ریزی و راه کار پیدا کردن که آقا 01/01/1397 فرمودند برای اینکه مردم به صحنه بیایند. جالبه ببینید چقدر شفاف آقا می‌فرمایند این کار رهبری نیست، این کار گفتنش و راهکار نشان دادنش کار ایشان است ولی عملش کار شما است و کار رهبری نیست، کار دولت نیست. دولت نمی‌تواند این کار را بکند. کار هیچ دستگاه دیگری هم نیست. بعضی مسئولین اجرایی سازمانی دولتی وقتی این را می‌شنوند اصلاً متوجه نمی‌شوند و نمی‌فهمند. یعنی چی؟ خب آقا کار رهبری که نیست، کار دولت نیست، کار هیچ دستگاه دیگری هم نیست، پس کی این کار را بکند. بعد رهبری می‌فرمایند این کار مجموعه‌ای از خود مردم است. می‌بینی پس اینجا مجموعه‌ی مردمی را از دولت و همه‌ی دستگاه‌ها جدا می‌کنند و این کار مجموعه‌ای از خود مردم است. البته خب یک لایه‌ی اجرا و گروه‌هایی که داخل مردم کار می‌کنند، آن درواقع بدنه‌ی اصلی فعالیت هستند؛ حلقه‌های میانی این ساز و کار به میدان آوردن یا همان واسطه‌ای هستند که باید این کار را بکنند.

عدالت بدون حضور مردم و پای کار آوردن مردم نمی‌شود

حالا این نقشه حلقه‌ی میانی برای حل این مسئله آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین که در واقع بزرگ‌ترین معضل اجتماعی در کشور ما است و در خیلی از کشورها است، در ما هم است و نباید این در جامعه‌ی ما باشد. جامعه‌ی اسلامی که می‌گوییم ارتباطش با اسلامی کردن یا اسلامی شدن دستگاه‌های نظام چیست؟ پس ببینید اگر شماها نباشید که مردم را به میدان بیاورید، هرگز خروجی دستگاه‌های نظام عدالت اجتماعی نمی‌شود. خروجیش می‌شود همین وضعی که هست؛ یعنی همین تبعات منفی و اوضاع ناچوری که می‌بینیم، بی‌عدالتی که می‌بینیم و همه‌ی

آسیب‌های اجتماعی که می‌بینیم حاصل کارکرد آن دستگاه‌هاست. آن هم با نگاه‌های غیراسلامی و غیرانقلابی غربی و لیبرالی. وقتی دستگاه‌ها دارند کار می‌کنند، این‌طوری کار می‌کنند. حالا بالاخره این دستگاه هست و زمان می‌برد تا آرام آرام درست شود. کار کردن دستگاهی که می‌خواهد اسلامی بشود، یکی ظاهر اسلامی است و یکی باطنش. خروجی کار باید عدالت محور باشد که این بدون حضور مردم و پای کار آوردن مردم نمی‌شود و این کار سخت شما است، بدون آن نمی‌شود. به عبارت دیگر این‌طوری باید بگویم که دقیقاً کار و نقشی که شما دارید به عنوان حلقه‌های میانی ایفا می‌کنید، درست‌تر دارید با مردم کار می‌کنید اما عرض کردم یک بالتان است با یک بال هیچ وقت نمی‌شود پرواز کرد حتماً باید دو تا بال داشته باشیم. بال دوم پای کار آوردن دستگاه‌ها است. این فکر می‌خواهد، برنامه‌ریزی می‌خواهد، این تمرکز می‌خواهد، راهکار پیدا کردن می‌خواهد.

برنامه‌ریزی برای پای کار آوردن مردم و دستگاه‌ها جهت کاهش آسیب‌ها

چگونه سراغ این دستگاه‌ها برویم؟ چگونه این جو را ایجاد کنیم که دستگاه‌ها این کار را بکنند؟ هر جایی هم فرق می‌کند؛ هر شهری، هر محله‌ای ولی این دوتا بال باید کامل بشوند و زمانی که این دو بال کامل شد، آن وقت یک مدتی و یک چند سالی پیگیری می‌خواهد، هماهنگی می‌خواهد؛ خودش اتفاق می‌افتد. یعنی وقتی مردم آمدند و دارند نقش آفرینی می‌کنند، دستگاه‌ها پای کار آمد و شما پیگیری‌ها را ادامه دادید و این دو تا هماهنگی را در یک بازه‌ی زمانی انجام دادید، حالا بستگی دارد. یک‌جا ممکن است 3 سال، 4 سال یا 5 سال مشکلیش حل بشود یک‌جا ممکن است 10 سال یا 15 سال طول بکشد. مثل همین بعضی مناطق که اشاره دادید که آسیب‌های اجتماعی به صفر رسیده همین اتفاق باید بیفتد. حالا همه‌ی مسائل و آسیب‌های اجتماعی و محلات باید برطرف بشود تا آن مرحله‌ی دیگر بگوییم این محله، محله حاشیه‌نشین نیست، محله‌ی آسیب‌پذیر نیست؛ مثل محلات دیگر شهر عدالت کامل برقرار شده باشد. وقتی این اتفاق افتاد، آن‌موقع کارکرد خروجی دستگاه‌ها این می‌شود که حالا در این میان آن کاری که رئیس دولت و دستگاه‌ها باید بکنند و آن ساز و کارها که البته کارهای سختی که باید اتفاق بیفتد. حالا آقای رئیسی امیدواریم یا دولت‌های بعدی که با همین نگاه و روحیه انشاءاً باید به کار بیایند و یک دوره‌ی هشت سال این کار امکان ندارد؛ چند تا دوره‌ی هشت ساله می‌خواهد. آن تصفیه افرادی که با این حرکت‌های دستگاه‌ها همکاری نمی‌کنند، آن‌ها به مرور زمان باید کنار گذاشته و تسویه شوند. یک برنامه‌ی حالا حداقل 20 یا 30 یا 40 ساله که این اسلامی شدن به عنوان مرحله‌ی سوم انقلاب را بتوانیم پشت سر بگذاریم و حضرت آقا این‌طوری اعلام بکنند که ما الان مرحله سوم را پشت سر گذاشتیم وارد مرحله‌ی چهارم انقلاب شدیم که به عبارتی اسلامی شدن جامعه است. حالا البته خیلی از فعالیت‌ها امروز مستقیم هم به سمت اسلامی شدن جامعه داره تلاش می‌شود ولی بدون اینکه براساس فرمایش آقا دستگاه‌ها اسلامی نشوند، جامعه اسلامی نمی‌شود. حالا این را عرض کردم برای اینکه بدانید ابزار شما پای کار آوردن مردم و قدرت شما برای اینکه بتوانید... اولی که باید تکانش بدهید مردم هستند اما هدف اصلی مرحله سوم انقلاب که در این مرحله الان داریم کار می‌کنیم اسلامی شدن دستگاه‌های نظام است، هر تلاش دیگری برای این که دستگاه‌های مربوطه پای کار بیایند.

همه‌ی قدرت مردم هستند

وقتی می‌گویم یک نگاه کلان بالا به پایین نداشته باشید. از بالا به پایین خیلی سخت است اما از پایین به بالا خیلی بهتر درست می‌شود؛ یعنی در شهرهای کوچک دستگاه‌های دولتی سالم‌تر وضعیتشان بهتر است. کوچک‌تر هستند اما بهتر و راحت‌تر قابل اصلاح هستند. وقتی این اصلاح شدن آن وقت در مراحل بعد اثر بالا می‌گذارد. این اثرش پایین به بالاست. از بالا به پایین خیلی سخت است. به عبارتی اگر بگوییم این حرکت انقلابی که هست، حرکت انقلاب همیشه پایین به بالاست نه بالا به پایین. به عبارتی اگر حواستان به دستگاه‌های نظام که در شهر و محله شما مامور به خدمت هستند باشد و تمرکز و برنامه‌ریزی کنید. برای حسابی شدن این دستگاه‌ها علاوه بر اینکه روی کارشون هستید، شما بتوانید این اسلامی شدن را در آنها جاری و ساری کنید؛ نقشه بکشید، فکر کنید، برنامه بریزید. فکر نکنید به اینکه آقا همه کاری توسط ما؟ بله همه کاری توسط شما. شما کی هستید؟ مردم. بله همه کاری توسط مردم، همه‌ی پیشرفت اهداف انقلاب توسط مردم. شما بخشی از مردم، منتها در حالت مدیریت و در راس مدیریتی مجموعه‌های مردمی هستید. ببینید در پیشبرد اهداف انقلاب ما هر چه نارسایی داریم و به قول حضرت آقا هر کجا نارسایی هست به خاطر این است که مردم در صحنه نیامدند. مردم را به صحنه نیاوردیم. پشت سر هم این حرفا را آقا زده. برای اینکه ما این را بگذاریم کنار هم یک فهمی بکنیم و یک کاری بکنیم. حالا شاید بعضی‌ها این‌طوری فکر کنند که مگر ما چه قدرتی داریم. همه قدرت اینجاست. همه‌ی قدرت این مردم هستند. آن هم مردم مومن متعهد انقلابی که درصد کمی هم در کشور نیستند. الحمداً درصد قابل توجهی هستند. اگر همه‌ی این مردم مومن متعهد و انقلابی به عرصه بیایند، به قول حضرت آقا یک درصدشان. سال نود و هشت حضرت آقا معتقد

بودند که یک درصد مردم مومن انقلابی آمدند در صحنه، فرمایشی که به من داشتند، من گفتم آقا به نظر من 10 درصد آمدند، آماری که دادم به آقا خندیدند و گفتند نخیر، 10 درصد هم نشده این یک درصدشان به صحنه آمدند. وقتی می‌گویم مردم مومن متدین انقلابی انتظار از آنها هست؛ انتظار خدا، انتظار پیغمبر(ص)، انتظار رهبری این است. چرا؟ چون ادعای ایمان دارند. حالا ایمان به کل حرکت انقلاب را می‌گویم. نگفتم که جنگ، شاید در جنگ درصدی از آنها نیابند اما این نوع حرکت‌های اجتماعی که به زندگی خود مردم برمی‌گردد و به دغدغه‌های این مردم متدین برمی‌گردد باید بیابند پای کار فکر کردن برای این که چگونه همه مردم را بیاوریم. آقا اعتقاد دارند که همه باید در میدان مورد استفاده باشند. درصدی از مردم باید بیابند در میدان بهره برسانند و یک عده هم بهره ببرند؛ چون وقتی این‌ها به میدان می‌آیند تا کاری بکنند، این کار برای کشور دیگر که نیست، برای همین مردم و همین جامعه و بقیه مردم این جامعه است. برای خودش مرحله خدمت. اگر این انقلاب اسلامی، آن چیزی که حضرت آقا در مرحله سوم انقلاب اراده کردند همه‌ی امیدشان به نیروها و جوانان مومن متعهد انقلابی یا یک‌جا آقا می‌فرمایند حزب‌اللهی، در همان صحبت آخرش می‌فرمایند نه هر حزب‌اللهی، حزب‌اللهی متشرع؛ این هم خیلی عجیب است.

کار حلقه‌های میانی، برنامه‌ریزی برای اسلامی شدن دستگاه‌های نظام

یعنی حالا ببینید پس چقدر امید رهبری به شما هست. به عبارتی هیچ فرقی نمی‌کند بگویم امید به خدا بسته‌اند یعنی واقعا این جدایی ندارد؛ یعنی انتظار خدای متعال از مومنین در یک جامعه آن هم نیروی جوانی که انرژی دارد. انرژی که بسترش از ایمان و اعتقاد و باور هست، بزرگترین کارها را می‌شود کرد. بزرگترین اتفاقی که افتاده، نمونه‌ی بزرگش همان جنگ هشت ساله در مقابل همه‌ی دنیا که با همین نیرو و انگیزه و همین الگو حل مسائل را به راحتی می‌توان انجام داد؛ به شرطی که این دو تا بال که عرض کردیم شما برای آن برنامه‌ریزی کنید. فکر نکنید که این کار شما نیست؛ یعنی برنامه‌ریزی برای اسلامی شدن دستگاه‌های نظام هم کار حلقه‌های میانی است. وقتی مردم آمد پشت سرتان دیگر هرچی از هردستگاهی بخواهید و بعضی از جاها که حالا خود شما دارید می‌بینید. همین الان تقریباً این کار خوبی که الحمدا^۱ آقای نورمحمدی به کمک شماها انجام دادند؛ مثلاً این وضعیت که این تحول اجتماعی ساختار پیدا کرده و الان دستگاه‌های نظام همه جا نماینده‌ی خودشان را قرار دادند. آقای نورمحمدی و دستگاه‌ها شما را دارند به عنوان نماینده قبول می‌کنند که هر چیزی به استاندار گفتید بگوید چشم. هر چیزی به فرماندار گفتید بگوید چشم. دیگر بالاتر از این چه می‌خواهید. الان اینجا است که آن رسالت شما و آن وظیفه‌ای که به گردنتان می‌آید؛ یعنی برنامه‌ریزی برای اسلامی شدن دستگاه‌های نظام. اسلامی شدن نه اینکه در ادارات آدم‌های ریش‌دار و تسبیح، نمی‌دانم نماز بخوانند و دعا کنند، نه ما این‌ها را نمی‌گویم. درست یا مردم برخورد کنند، عدالت را رعایت بکنند، کم کاری برای مردم نکنند، تبعیض و فساد و رشوه و این‌ها را ریشه‌کن کنند. این‌ها را می‌شود حل کرد برای مردم یا بانظارت مردم و با پیگیری‌هایی که انجام می‌شود. البته شما تنها نیستید شما یک بخش از کاری که حلقه‌های میانی در بخش‌های مختلف در این ده تا جریان دیگری که در عرصه‌های دیگر هم دارند فعالیت می‌کنند. همه انشاءا^۲ وقتی این قدرت ایجاد شد و این حرکت را در افق آینده‌ی یکی دو سال دیگر کردیم این اتفاق می‌افتد و خدا را باید هزاران مرتبه شکر بکنیم با دولت آقای رئیسی. اگر دوران روحانی بود هرگز نمی‌شد این حرف را زد. اصلاً مقابله می‌کردند. قشنگ می‌ایستادند. باید هر روز دعوا و درگیری و بزن بزن باشد. ولی این دولت حالا به هرحال اراده‌اش در ایشان هست. اعتقادش روی این موضوع هست. این دستیارهای مردمی که با همین نگاه به ایشان پیشنهاد دادم، ایشان پذیرفتند. آن یک سال و خورده‌ای پیش که ما رفتیم خدمت ایشان، گفتیم آقای رئیسی الان براساس فرمایش آقا مرحله سوم انقلاب است. در مرحله اسلامی شدن دستگاه‌های نظام، شما به نظرتان می‌توانید به تنهایی و بدون کمک مردم دستگاه‌های نظام را اسلامی کنید. گفت نه اصلاً نمی‌شود. من قبول دارم بدون کمک مردم نمی‌شود. برای همین گفت چه پیشنهادی دارید. ما گفتیم فعلاً پیشنهاد دستیاران را داریم که شما هر استاندار و هر فرماندار کنار خودش یک دستیار مردمی بگذارد که این ظرفیت‌های مردمی را بشناسد. نقش حلقه‌های میانی، یک کسی که حلقه‌های میانی و جریان‌ها و مردم را بشناسد و بسترسازی کند برای حل مسئله بین فرماندار، بین آن مسئول دولتی با مجموعه‌های مردمی فکر بکند. الحمدا^۳ این انجام شده است. بیشتر 80 درصد از فرمانداران دستیار مردمی را انتخاب کردند. این بسترسازی انجام شده و انشاءا^۴ این برنامه‌ریزی که دارید می‌کنید و الان دوستان جمع شدن برای اینکه بدانید شش ماهه 1403 چه برنامه‌ای باید بریزید؛ این دوتا بعد را نگاه بکنید. هم مردم پای کار بیاورید و هم اینکه دستگاه‌ها را چگونه پای کار بیاورید که این دستگاه‌ها امکانات خیلی زیادی که دارند و حیف و میل می‌کنند و بعضی جاها دیگر می‌ریزند، جهت بدهید. این بیاید پای کار اینجا و به سرعت این مسئله‌ی حاشیه‌نشینی و این دغدغه حضرت آقا برطرف بشود که تنها راهش هم این مجموعه مردمی هست که بیابند پای کار به وسیله شماها که الحمدا^۵ بسترش در این دو سه سال فراهم شده است. ساز و کارش آماده شده است.

ضرورت گزارش اثربخشی کارها به محضر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

وقتی مقایسه می‌کنم با سال اول جنگ، دقیقا اگر مقایسه بخواهیم بکنیم، یک سال اول جنگ با این سه چهار ساله اینجا باید مقایسه کنیم. یک سال اول جنگ طول کشید تا اولین گردان‌ها، تیپ‌ها و لشکرها {شکل بگیرد} مثلا وقتی رفتم جبهه اصلا گردان و تیپ نمی‌شناختم. حتی واژه تیپ به گویمان نخورده بود؛ چه برسد به اینکه بخواهیم فرمانده تیپ بشویم یا مثلا فرمانده لشکر بشویم ولی در عرصه‌ی عمل در یک سال اول این کاری که در میدان شد و این دو سه سالی که شما این کار را کردید، الان آماده شدید می‌توانید دیگر آن سازماندهی‌های لازم، آن اقدامات موثر را انجام بدهید تا انشاءا [هرچه زودتر، البته این هر چه زودتر که می‌گوییم یعنی آغاز یک رشد می‌شود؛ یک اصلاح می‌شود. همان که بسترها فراهم شد یعنی هم مردم و هم دستگاه‌های دولتی آمدند پای کار و کنار هم قرار گرفتند و آن پیگیری‌ها آماده شد. به نظر می‌آید امسال در مورد موضوع فعالیت قرارگاه اجتماعی این شش ماه تمرین بکنید که از 1403 دیگر محکم این رشد و این حل مسائل و این آثار این عملیات که در عملیات در هر محله چه مسائلی و چند درصدش به کمک مردم حل شده است. این نکته‌ی در واقع مهمی که حضرت آقا بی‌صبرانه منتظر هستند که آثار این را ببینند. در این گزارشی که ما اخیرا داریم می‌فرستیم برای حضرت آقا، گزارش اولیه‌ای که از آقای نورمحمدی خواستیم اصلا خیلی اینها داخلش نبود که حالا در هر محله چند تا مسئله و چند درصدش حل شده است؛ کلی فشار آوردیم. چون از بس عین خود ما در دفاع مقدس وقتی فقط کار و عملیات می‌کردیم، ما حوصله گزارش دادن نداشتیم. مثلا چی شده را خودتان بروید ببینید مثلا چی شده. حالا آنجا عملیات و نتیجه معلوم می‌شد. اما اینجا کمی سخت‌تر است. یک فشاری که آمد نتایج خیلی خوبی مشخص شد که در بعضی از جاها نتایج خوبی به دست آمده است. این نتایج برای رهبری به خصوص امیدوار کننده است. نتایج کارتان را حتما داشته باشید. دو تا خروجی می‌خواهید؛ خروجی اول در مورد این که مردم را چه میزان عملیات ظرفیت‌سازی انجام شده و این گروه‌های مختلف مردم چه مقدار آمدن در صحنه. مردم همان محله یا مردم محله‌های دیگر برای حمایت از این محله چقدر آمدن پای کار. آمار و ارقام باید داشته باشید. دوم عملیات‌ها و درصد حل مسائلی که در عرصه‌های مختلف حل شده است. آمار و ارقام باید داشته باشیم که انشاءا [در گزارش‌های بعدی محضر حضرت آقا بفرستیم و بزرگترین کار ما و شما این است که دل حضرت آقا را شاد کنیم انشاءا [بعدش باید زمینه فراهم بشود برای این که وقتی این کارتان را دیدند، پیشنهاد دادیم انشاءا [که به محضرشان برسیم. ما را از دعای خیر خودتان فراموش نکنید. واقعا باور کنید که این حقیر که روزی هم سن و سال شما بودم، البته جوان‌تر از شما بودم. معمولا در جلسه سی سال به صورت میانگین هستند اما ما 24 سال بودیم که جبهه رفتم و یادم است انقلاب شد 22 سالم بود.

ثمرات خون های اول انقلاب؛ محقق شدن اهداف انقلاب و اسلامی شدن نظام و کشور

عرصه های مختلف انقلاب را که من می‌بینم، بحران‌های بزرگ مثل همین جنگ یا بحران‌های بعد از آن مانند اغتشاشات کف خیابان که الحمدا [آن هم به خوبی حل شده و می‌شود گفت که پشت سر گذاشتیم و عبور کردیم. دشمنان ناامید شدند از این که در داخل این طور غلط‌هایی بکنند. گاهی زمینه‌ها برای آن‌ها فراهم می‌شود مثلا اتفاقی می‌افتد یا غفلت‌هایی ولی چیزی نیست این‌ها، این حوادث برطرف می‌شود. وقتی آدم می‌بیند، ارزش و سختی و اهمیت این کار فکر را نکنیم کمتر از دفاع مقدس است. شهدا و دفاع مقدسی که در واقع موتور حرکت انقلاب است. ولی اهمیت کار از یک لحاظ خیلی بالاتر است چرا چون همه‌ی آن زحمتهایی که کشیده شده در طول گام اول انقلاب، همه‌ی خون‌هایی که به زمین ریخته شده و همه شهدایی که دادیم، همه‌ی این‌ها به خاطر این بوده که مرحله‌ی سوم و چهارم انقلاب پیش برود. اهداف اسلامی انقلاب محقق بشود. جامعه اسلامی بشود. دستگاه‌های نظام اسلامی بشوند. این جامعه نمونه‌ی اسلامی را بسازیم. مقدمه‌ی آن تمدن نوین اسلامی که حضرت آقا فرمودند و همه هدف انقلاب اسلامی این است. آقا امام زمان(عج) که می‌آیند قرار است همین کار را بکنند که باید این زمینه فراهم بشود. بنابراین این کار در واقع به ثمر نشاندن آن خون‌های پاک به زمین ریخته شده به زحمات و حماسه‌هایی که آفریده شده است.

کار هم سختی‌هایش متفاوت است. پیچیده است. همراه با فکر و کار است و بیشتر نرم‌افزار کار می‌کند تا سخت‌افزار. در دفاع مقدس هم اگر نرم‌افزار مدیریتی و جنگ نبود، نگاه‌های انقلابی مردم مثلا نبود، نمی‌توانستیم تا اینجا جلو ببریم. ولی نسبت بین کار نرم‌افزاری و سخت‌افزاری را بخواهیم بیان کنیم، فکر و برنامه‌ریزی و تحمل سختی و صبر بر مخالفت‌های خودی‌ها، مخالفت بعضی از دستگاه‌ها، برخوردهایی که انجام می‌دهند. این‌ها صبر و تحملش و این که چگونه و با چه هنری آن دستگاه را بیاوریم پای کار که این مسائل را حل بکند. این جز آن سختی‌ها و پیچیدگی‌های کار است که انشاءا [شما دیگر استاد شدید. این کار هر چی جلوتر برود، افق‌ها روشن می‌شود و آینده‌ی روشنی به نظر می‌آید که در این عرصه به یاری خدا وجود دارد. برای اول جنگ کسی اصلا باورش نمی‌شد که بتوانیم بعد از یک سال و خورده‌ای خرمشهر را آزاد کنیم. کسی بارو نمی‌کرد اصلا این طور اتفاقاتی می‌تواند بیفتد. این‌جا همین اتفاق‌های بزرگ یعنی حل مسائل حاشیه‌نشینی در نظام مقدس جمهوری اسلامی قابل حل است. از نظر زمان یک خورده بیشتر از آن یکی دو سال اول جنگ طول می‌کشد تا خرمشهر آزاد بشود، از نظر

زمانی زمانش بیشتر است ولی شدنی می باشد و انشاءا دارد محقق می شود. خدا توفیق مان بدهد. ما را از دعای خیرتان فراموش نفرمایید.

نویسنده : سید علی مدد زیدی، تاریخ ارسال : دوشنبه 12 خرداد 1404 ساعت 5:34 بعد از ظهر